

که ایران در موقعیتی است که مجبور خواهد شد در مورد برنامه هسته‌ای خود امتیاز بدهد اما ایران هنوز شکست نخورده و دوستان قدرتمندش در روسیه و چین همچنان به تقویت اقتصاد و ارتش ایران ادامه می‌دهند. علاوه بر این، ممکن است محاسبه در ایران اینگونه باشد که باز هم می‌شود در برابر ترامپ دوام آورد و از پذیرش خواسته‌های دولت او خودداری کرد اما اگر ترامپ به این باور برسد که حقیقتاً ما چرا آنگونه نیست که او می‌پنداشته، ممکن است در وضعیت انتخاب قرار بگیرد. او مجبور خواهد شد ایرانی را تحمل کند که از پذیرش خواسته‌های آمریکا امتناع می‌کند و دوره ریاست‌جمهوری اش را در حالی به پایان برسد که در خصوص ایران نه‌تنها هیچ دستاوردی به دست نیاورده بلکه میراثی خفت‌بار از خود به جای گذاشته‌و یا اینکه گزینه نظامی را انتخاب کند و به این امید باشد که ایران تحت فشار نظامی روبکرد خود را تغییر خواهد داد. ترامپ در سخنان اخیرش به این موضوع اشاره و تهدید کرده که اگر ایران مذاکرات هسته‌ای را رها کند، او تعهدش مبنی بر پایان دادن به مداخلات نظامی ایالات متحده در خاورمیانه را زیر پا خواهد گذاشت.

اما غرایز ترامپ ممکن است در مورد اسرائیل تغییر و شکاف قابل توجهی ایجاد کند. جنگ غزه، جنگ آمریکا نیست و تمایل شخصی ترامپ این است که این جنگ پایان یابد. ترامپ هنوز حاضر نیست اسرائیل را برای پایان دادن به این جنگ تحت فشار قرار دهد، مگر اینکه حماس کاملاً شکست خورده باشد. اما او لزوماً حاضر نیست اسرائیل را از عواقب دیپلماتیک ناشی از جنگ غزه محافظت کند. طبق گزارش‌ها، او همکاری هسته‌ای غیرنظامی با عربستان سعودی را از عادی‌سازی روابط با اسرائیل جدا کرده است. این خود نشانه‌ای است از اینکه دولت ترامپ تشخیص داده که عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل بدون پایان یافتن جنگ غزه عملی نیست. ترامپ چند گام برای جلوگیری از تضعیف روابط قدرتمند اروپایی با اسرائیل و حتی اعمال تحریم علیه شهرک‌نشینان یهودی برداشته است. اگر این روند ادامه یابد، ممکن است چالش قابل توجهی برای اقتصاد اسرائیل و در نهایت بخش‌هایی از زنجیره تأمین تسلیحات اسرائیل ایجاد کند. ترامپ در برابر تدریوهای طرفدار اسرائیل در ایالات متحده که خواهان حمله به ایران در اسرع وقت هستند، مقاومت کرده، و طبق گزارش‌ها، در ماه مه به نخست‌وزیر اسرائیل، گفته است که از کمپین خود دست بردارد تا مذاکرات هسته‌ای با ایران ادامه یابد.

همه اینها نشان می‌دهد که اگر چه ترامپ در حال تبدیل شدن به یک رئیس‌جمهور ضد اسرائیل نیست، اما حاضر نیست سرمایه یا قدرت آمریکا را در موقعیتی قرار دهد که صرفاً از اسرائیل محافظت کند، بدون اینکه منافع آمریکا هم تأمین شود. از نظر ترامپ، اسرائیل می‌تواند هر طور که صلاح می‌داند در جنگ غزه بجنگد، اما خودش باید هزینه دیپلماتیک و اقتصادی این جنگ را بپردازد و آمریکا مسئول این هزینه‌ها نیست. اسرائیل می‌تواند لوله تفنگ خود را به سمت ایران نشانه بگیرد اما ترامپ بدون شک از حمله اسرائیل به ایران آن هم زمانی که مذاکرات با ایران در جریان است به شدت خشمگین خواهد شد. اگر ترامپ تصمیم بگیرد که می‌تواند به نوعی با برنامه هسته‌ای ایران کنار بیاید، آن وقت این اسرائیل است که باید تصمیم بگیرد که آیا می‌تواند با حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران، واکنش اجتناب‌ناپذیر آمریکا را تحمل کند یا خیر. به عبارت دیگر، سیاست‌های ترامپ در خاورمیانه، اسرائیل را به سمت پذیرش مسئولیت‌ها و عواقب دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی تصمیماتش سوق خواهد داد زیرا ترامپ هیچ علاقه‌ای ندارد عواقب تصمیمات اسرائیل را بپردازد. بنابراین، دوران دخالت ایالات متحده در خاورمیانه کاملاً به پایان نرسیده است بلکه دولت ترامپ صرفاً در حال دور شدن از جنگ‌های بزرگ به سبک نومحافظه‌کاران و بازگشت به سیاست رئالیستی درگیری‌های محدود است. آنچه تغییر نمی‌کند، آن دسته از الزامات ژئوپلیتیکی است که واشنگتن را وادار می‌کند همچنان در خاورمیانه حضور داشته باشد. بنابراین ترامپ در دوره دوم ریاست‌جمهوری خود درست به اندازه دوره اول در خاورمیانه فعال خواهد بود.

است زیرا در اینجا، غرایز ترامپ و الزامات آمریکا به‌راحتی با هم هماهنگ می‌شوند. ترامپ هرگز تمایل شخصی قدرتمندی برای تغییر شکل نظام‌های سیاسی سایر کشورها نداشته است. درست برخلاف اسلاف او، از جمله اوباما و جورج دبلیو بوش که در تلاش‌های خود برای آزادسازی کشورهای عربی خلیج فارس سعی در ایجاد تغییراتی در ساختارهای سیاسی کشورهای منطقه داشتند. ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری خود، با فشار کنگره برای مجازات عربستان سعودی و امارات متحده عربی به دلیل نقض حقوق بشر و مداخلات آنها در کشورهایمانند یمن رویه‌ر بود اما این بار، قانونگذاران ایالات متحده نسبت به هر اقدامی که می‌تواند قیمت‌نیزین را افزایش دهد، بسیار حساس هستند؛ بنابراین نسبت به تحریم صادرات نفت کشورهای عربی خلیج فارس که جای خالی نفت تحریم شده روسیه را در بازار جهانی پر کرده، اشتیاقی ندارند. حتی برخی از نمایندگان تندرو و اسلام‌ستیز کنگره، که زمانی از محاصره قطر توسط عربستان و امارات به دلیل رابطه دوحه با اسلام‌گرایی حمایت کرده بودند، امروز در مورد قطر سکوت کرده‌اند. این امر به ترامپ اجازه می‌دهد تا با آزادی عمل بیشتری کشورهای عربی خلیج فارس را به حال خود رها کند و بیشتر به‌عنوان یک محافظ در منطقه عمل کند، نه یک نصیحت‌گر سیاسی.

ترامپ همچنین علاقه دارد که ترکیه را در تراز استراتژیک و سیاسی به آمریکا نزدیک‌تر کند. موقعیت کلیدی ترکیه در دریای سیاه و نقش آنکارا در ناتو، این کشور را برای ایالات متحده در مواجهه با روسیه مفید کرده است. البته ترامپ علاقه کمی به تشدید بیشتر تنش با مسکو نشان داده، در نتیجه بعید است که ترکیه را برای قطع روابط با روسیه تحت فشار بیشتری قرار دهد. در خصوص سوریه نیز ظاهراً ترامپ رضایت داده که ترکیه پس از فروپاشی رژیم اسد در دسامبر ۲۰۲۴، قدرتی به دست آورده تا بتواند تهدیدات ضدتروریستی را مدیریت کند. زیرا بروز هر گونه افراط‌گرایی در سوریه، در نخستین گام منافع ترکیه را تهدید خواهد کرد.

ممکن است ترامپ نخواهد ترکیه را مجبور کند به یک دموکراسی شبه‌روپایی تبدیل شده و یا عضوی مطیع در ناتو باشد اما نظرانش در مورد سیاست‌های ترکیه، چشم‌انداز بروز اختلافات اقتصادی و دیپلماتیک با آنکارا را تقویت می‌کند. نخست اینکه ترکیه تعرفه بالایی برای برخی از کالاهای وارداتی ایالات متحده وضع کرده و مالیات خدمات دیجیتال در ترکیه نیز به دلیل تأثیر نامطلوب بر شرکت‌های بزرگ فناوری ایالات متحده، کاخ سفید را آزرده است. ترامپ می‌تواند از هر یک از این مسائل برای توجیه اعمال تعرفه‌های بالاتر ایالات متحده بر واردات از ترکیه استفاده کند. رشد صنعت تسلیحات در ترکیه نیز ممکن است ترامپ را که مشتاق است ایالات متحده را به تأمین‌کننده اصلی سلاح در منطقه تبدیل کند، نارضحت کند. علاوه بر این، این احتمال وجود دارد که حامیان ترامپ ناگهان با یک سیاست خاص ترکیه، نظیر رفتار نامناسب این کشور با مسیحیان، مخالفت کنند و ترامپ را مجبور کنند که دوباره مانند دوره اول ریاست‌جمهوری خود، به دنبال انتقام شدید اقتصادی از ترکیه برود.

در مورد ایران، گزینه ترامپ استفاده از فشار اقتصادی برای دستیابی به توافق و جلوگیری از وقوع جنگ است. این امر باعث شده که او تحریم‌های گسترده‌ای را به عنوان بخشی از کمپین فشار حداکثری بر ایران اعمال کند. اما ترامپ علاقه بسیار زیادی درباره میراثی که از خود به جا می‌گذارد دارد و در خصوص ایران، ترامپ میراث ارزشمندی ندارد. او بود که توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ با ایران را پاره کرده و وعده داد توافق بهتری با ایران صورت خواهد داد اما چنین توافقی که او وعده‌اش را داده بود هنوز حاصل نشده است.

هر چند از نظر آمریکا، ایران اکنون ضعیف‌تر از سال ۲۰۱۷ است اما واشنگتن معتقد است که تحمل سال‌ها تحریم‌های شدید، به علاوه سقوط اسد، تضعیف حزب‌الله و حملات اسرائیل به پدافند هوایی ایران، ایران را از نظر استراتژیک و نظامی در موضع ضعف قرار داده است. اگر این تصور در آمریکا خیلی ریشه‌دار باشد، قطعاً ترامپ تمایل خواهد داشت باور کند

نظامی در غزه، نقض مکرر آتش بس یا حزب‌الله یا تهاجم به جنوب سوریه پایان دهد.

همه اینها نشان می‌دهد که ترامپ، به‌رغم اظهارات اخیرش در انتقاد از مداخلات ایالات متحده در خاورمیانه، در حال آماده شدن برای خروج نظامی از منطقه و تعطیل کردن پایگاه‌های اصلی ایالات متحده در منطقه نیست و قصد ندارد صرفاً بر معاملات دیپلماتیک و اقتصادی تمرکز کند. الزامات اصلی ایالات متحده در منطقه - یعنی تأمین منافع انرژی و تجاری - همچنان پابرجا و معنادار است. ترامپ، مانند بسیاری از اسلاف خود، صرفاً قصد دارد تفسیر جدیدی از نحوه پیگیری این منافع توسط واشنگتن ارائه دهد. او معتقد است شبکه‌ای از دوستان و متحدان آمریکا در منطقه که مستقل‌تر عمل می‌کنند قادر به تأمین این منافع برای آمریکا خواهند بود و نیازی نیست که ایالات متحده این بار سنگین را فقط خود به دوش بکشد. ترامپ بر خلاف دور نخست، تاکنون هیچ مذاکره سطح پالایی در مورد ایجاد نوعی اتحاد امنیتی عربی محور شبیه به ناتو انجام نشده است اما این انگیزه همچنان پابرجاست که اگر ایالات متحده بتواند چار چوب‌هایی مانند توافق نامه‌های ابراهیم را گسترش دهد، به‌طور طبیعی یک پیوند متقابل، منافع الزامات آمریکا را با نیاز کمتر به مداخله مستقیم در خاورمیانه، تأمین خواهد کرد. وضعیت در خاورمیانه همچنان پیچیده است و از زمان ورود ترامپ به کاخ سفید در سال ۲۰۱۷، تغییرات زیادی در منطقه رخ داده است. امروز آمریکای دونالد ترامپ خاورمیانه را اینگونه می‌بیند: داعش نیز به گروهی زیرزمینی تبدیل شده و دیگر خلافتی بر روی زمین ندارد، اما هنوز هم نیروهای فعال دارد؛ بنابراین باید با آن مبارزه کرد؛ حتی اگر دیگر نیازی به حضور نیروهای زمینی ایالات متحده در خاورمیانه نباشد. در سوریه، جنگ داخلی پایان یافته، اما ترامپ همچنان مجبور است دولت موقت این کشور را تحت کنترل داشته باشد تا حداقل به یک قدرت بی‌طرف و پایدار تبدیل شود. از نظر آمریکا، ایران هنوز به پیشرفت‌های هسته‌ای خود ادامه می‌دهد، اما متحدانش در سوریه و لبنان تضعیف‌شده‌اند بنابراین تهران دیگر نمی‌تواند مانند گذشته قدرت خود را در منطقه گسترش دهد. یمن هنوز دچار شکاف داخلی است اما حوشی‌ها اکنون بیشتر بر حمایت از مبارزه فلسطینی‌ها علیه اسرائیل متمرکز هستند تا تصرف سرزمین‌های جنوب یمن. ترکیه روابط خود را با روسیه و چین حفظ کرده و این روابط در دور اول موجب رنجش ترامپ شده بود اما این کشور حالا به یک بازیگر کلیدی در گذار سیاسی سوریه تبدیل شده و بازیگری است که می‌تواند قدرت بالانس در برابر روسیه داشته باشد بنابراین به راحتی نمی‌توان از ترکیه چشم‌پوشی کرد.

اما شاید آنچه که از زمان آخرین دوره ریاست‌جمهوری ترامپ بیشترین تغییر را تجربه کرده اسرائیل باشد. اسرائیل در واکنش به حمله هفتم اکتبر سال ۲۰۲۲، یک کمپین گسترده را آغاز کرده و مناطق حائل‌ی برای خود ایجاد کرده و وارد جنگ‌های تمام‌عیار شده است.

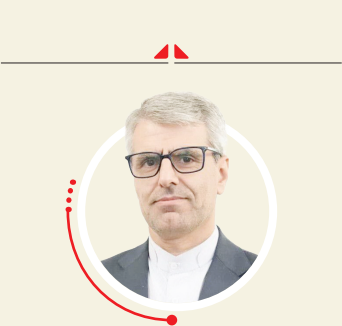
❖ مداخله‌گرایی به سبک ترامپ

ترامپ تاکنون عمدتاً همان رویکردی را در قبال خاورمیانه دنبال کرده که در دوره اول ریاست‌جمهوری خود داشت. او هنوز هم تشدید سریع تنش و کاهش سریع آن را ترجیح می‌دهد. این بخشی از عادت او برای جلب توجه، تیرهای رسانه‌ای و اجتناب از رویارویی‌های پرهزینه است. او هنوز هم به منافع انرژی و تجاری ایالات متحده در منطقه اهمیت می‌دهد، زیرا می‌داند که نادیده گرفتن این منافع به اقتصاد ایالات متحده و محبوبیت داخلی او آسیب می‌رساند اما با در نظر گرفتن چالش‌های جدیدی که در خاورمیانه بروز کرده، ممکن است ترامپ به‌زودی دست به مداخله در خاورمیانه بزند. صرف‌نظر از تحلیل‌های خوشبینانه‌ای که در مورد میل ترامپ به عدم مداخله نظامی مطرح می‌شود، واقعیت این است که ایالات متحده آمریکا حتی در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ نیز مجبور خواهد شد از میان بازیندگان و برندگان معادلات منطقه‌ای دست به انتخاب بزند. وقتی مسئله درباره کشورهای عربی خلیج فارس باشد، عمل به وعده عدم مداخله نسبتاً آسان

دیپلمات‌ها

بانک اهداف صهیونیست‌ها روی میز نیروهای مسلح

دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی شب گذشته درپی عملیات اطلاعاتی ایران علیه اسرائیل بیانیه‌ای به این شرح منتشر کرد: این غنیمت و دستاورد بزرگ اطلاعاتی بخش مهمی از طراحی هوشمند و اقدامات خاموش و بی‌های و هوی نظام مقدس اسلامی در برابر جنجال‌های دشمنان است، که بخش مهم دیگر آن را، مجاهدت شبانه‌روزی و بی‌ادعای نیروهای مسلح برای ایجاد توان عملیاتی متناسب با ضعف‌ها و قوت‌های رژیم اشغالگر صهیونیستی و حامیان آن تشکیل می‌دهد. امروز دسترسی به این اطلاعات و تکمیل چرخه‌ی اطلاعاتی ــ عملیاتی، «زمندگان اسلام را قادر ساخته است که تعرض احتمالی رژیم صهیونی به تاسیسات هسته‌ای کشور را بلافاصله با تهاجم به تاسیسات هسته‌ای پنهان او و هرگونه شرارت در مورد زیرساخت‌های اقتصادی و نظامی را دقیقاً متناسب با نوع تجاوز، مقابله به مثل نمایند.



طرح خودمان را داریم

«اسماعیل بقایی» در نشست خبری روز دوشنبه خود در پاسخ به سوالی در ارتباط با احتمال تصویب قطعنامه علیه ایران در جلسه پیش روی شورای حکام و تقابلی که با ایران در این زمینه از سوی آژانس و شورای حکام صورت گرفته و پاسخ ایران به این تقابل گفت: پاسخ تقابل همکاری بیشتر نخواهد بود. بقایی با بیان اینکه «متأسفانه آژانس تحت فشار و نفوذ سیاسی آمریکا و اروپا عمل کرده است» گفت: ایران مجموعه‌ای از راه‌ها و اقدامات را تدوین کرده و طرف‌های مقابل نیز کم و بیش از توانمندی‌های ما آگاه هستند و ما بر اساس تحولات آینده و بر اساس هماهنگی با سازمان انرژی اتمی و دیگر سازمان‌های تصمیم‌گیر، طیفی از اقدامات عملیاتی را خواهیم داشت. سخنگوی وزارت خارجه همچنین در پاسخ به سوال دیگری گفت: در حال حاضر در ارتباط با دور بعدی مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا نکته خاصی ندارم و هر موقع در این زمینه تصمیم گرفته شد، در ارتباط با آن اطلاع‌رسانی خواهد شد. بقایی همچنین در پاسخ به سوال خبرنگار دیگری در ارتباط با اظهارات چند تن از نمایندگان مجلس در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران گفت: یک کشوری که رسانه‌ها و افراد مواضع خود را بیان می‌کنند، غیرطبیعی نیست که ما دیدگاه‌های مختلف را بشنویم ولی آن چیزی که مشخص است این است که فعالیت‌های هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است و ما بارها آن را از طریق مراجع رسمی کشور اعلام کرده‌ایم. وی افزود: حتی اگر خواهیم گزارش اخیر آژانس را نیز مبنا قرار دهیم، در این گزارش نه صحبتی از عدم پایبندی و نه صحبتی از انحراف فعالیت‌های ایران از مسیر صلح‌آمیز مطرح شده است، البته این گزارش مشکلات زیادی دارد؛ سیاسی است و با هدف بهانه‌سازی تهیه شده است ولی در آن گزارش نیز بر صلح‌آمیز بودن برنامه‌های هسته‌ای ایران تأکید شده است. سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر اینکه «طرح پیشنهادی آمریکا برآیند پنج دور مذاکرات غیرمستقیمی که بین ایران و آمریکا صورت گرفته، نیست» در پاسخ به سوالی در مورد طرح پیشنهادی ایران نیز گفت: ما طرح پیشنهادی خود را از طریق عمان ارائه می‌کنیم. وی افزود: طرح پیشنهادی ایران طر ح معقول، متوازن و منطقی است و به مقامات آمریکایی توصیه می‌کنیم که این طرح را قدر بدانند و آن را مبنای نظر قرار دهند. سخنگوی وزارت خارجه همچنین در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه گفته می‌شود آمریکایی‌ها در طرح خود، پیشنهاد و طرحی در ارتباط با موضوع رفع تحریم‌ها نداده‌اند و این موضوع در طرح آمریکایی‌ها برجسته نیست، اظهار کرد: ما همواره در موضوع گیری‌های رسانه‌ای و هم در گفت‌وگوهایمان بر موضوع رفع تحریم‌های ظالمانه علیه ایران تأکید کرده‌ایم و درواقع این موضوع مطالبه اصلی ما در مذاکرات است، ولی اینکه چرا در متن آمریکایی‌ها این موضوع گنجانده نشده است باید از طرف مقابل سوال کرد و همانطور که اشاره کردم ما در مذاکرات و گفت‌وگوهای خود در پیگیری حقوق ملت ایران و رفع تحریم‌ها قاطع هستیم. وی همچنین در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر اینکه اگر مذاکرات به نتیجه نرسد، ایران چه اقدامی انجام خواهد داد گفت: ما کار خود را ادامه می‌دهیم و برنامه‌های کشور را معطل گفت‌وگو با این و آن نخواهیم کرد.

